

اندیشه و توسعه در ایران

تألیف

حسن افراخته

عضو هیئت علمی دانشگاه خوارزمی



دانشگاه خوارزمی

تهران ۱۴۰۲

سرشناسه	:	افراخته، حسن، ۱۳۳۴ -
عنوان و نام پدیدآور	:	اندیشه و توسعه در ایران/تالیف حسن افراخته.
مشخصات نشر	:	تهران: دانشگاه خوارزمی، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری	:	۲۱۹ ص.
شابک	:	۲۵۰۰۰۰۰ ریال: 978-600-8587-89-7
وضعیت فهرست نویسی	:	فیا
یادداشت	:	واژه نامه.
یادداشت	:	کتابنامه: ص. [۲۰۵] - ۲۱۹.
موضوع	:	توسعه اجتماعی - ایران Community development—Iran
	:	توسعه اجتماعی Community development
شناسه افزوده	:	دانشگاه خوارزمی
رده بندی کنگره	:	HN۴۹
رده بندی دیویی	:	۱۴۰۹۵۵/۳۰۷
شماره کتابشناسی ملی	:	۹۳۸۰۹۲۱
اطلاعات رکورد کتابشناسی	:	فیا



عنوان کتاب	:	اندیشه و توسعه در ایران
نویسنده	:	حسن افراخته
ناشر	:	دانشگاه خوارزمی
چاپ و صحافی	:	دانشگاه خوارزمی
صفحه آرا	:	صدیقه عرب
طراح جلد	:	فاطمه منظور
نوبت و سال چاپ	:	اول، ۱۴۰۲
شابک	:	۸۹-۷-۸۵۸۷-۶۰۰-۹۷۸
شمار	:	۵۰۰ نسخه
قیمت	:	۲۵۰۰۰۰۰ ریال

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به انتشارات دانشگاه خوارزمی است.

آدرس: تهران، خ شهید مفتح، شماره ۴۳، کدپستی ۱۴۹۱۱-۱۵۷۱۹ تلفن مرکز پخش: ۸۸۳۱۱۸۶۶

pub@khu.ac.ir

www.khu.ac.ir

فهرست مطالب

۱۹	فصل اول: مفروضات بنیادین توسعه
۱۹	مقدمه.....
۲۳	قابلیت.....
۲۵	آزادی.....
۲۸	دموکراسی.....
۲۹	عدالت.....
۲۹	خیر و حق.....
۳۱	مسئولیت و تعهد.....
۳۳	شهروندی.....
۳۸	مشارکت.....
۳۹	سیاست گذاری اجتماعی.....
۴۳	فردگرایی.....
۴۴	فایده گرایی و اختیارگرایی.....
۴۴	الف. فایده گرایی.....
۴۸	ب. اختیارگرایی.....
۵۳	فصل دوم: نظریه های تأثیرگذار بر برنامه های عمرانی و توسعه کشور
۵۳	مقدمه.....
۵۳	نظریه نوسازی.....
۵۴	نظریه رشد روستو.....
۵۵	نظریه ساختارگرا.....
۵۶	نظریه نیازهای اساسی.....
۵۷	نظریه تعدیل ساختاری.....
۵۸	الف. موقتی سازی قراردادهای نیروی کار.....
۵۹	ب. خصوصی سازی.....
۶۰	ج. مقررات زدایی.....

۶۰	یکم، زمین، مسکن و مدیریت شهری
۶۱	دوم، حوزه بانک‌ها
۶۱	سوم، حوزه آب
۶۲	د- مسئولیت ناپذیری دولت
۶۴	ه- ممانعت از تشکیل بای‌های متعدد
۶۴	رویکرد توانمندسازی
۶۷	ساخت حمام خورشیدی؛
۶۸	نظریه‌های مکان مرکزی
۷۰	نظریه فضایی کریستالر
۷۳	نمودهای فضایی نظریه کریستالر (تحلیل فضایی) در ایران
۷۶	تحلیلی بر دیدگاه اقتصادی کریستالر
۷۷	نظریه قطب رشد
۷۸	نمودهای فضایی نظریه قطب رشد در ایران
۷۹	تحلیلی بر نظریه قطب رشد
۸۰	نظریه راندینلی (عملکرد شهر در توسعه روستایی)
۸۱	نمودهای فضایی نظریه راندینلی ایران
۸۴	تحلیلی بر نظریه راندینلی
۸۵	مدل اگروپلین
۸۶	رویکرد شبکه منطقه‌ای

فصل سوم: معرفت‌شناسی و تأملات روش‌شناسی

۸۹	مقدمه
۹۰	یکم، معرفت‌شناسی
۹۰	ویژگی‌های خاص علوم انسانی
۹۱	واقعیت‌های طبیعی و تجربه‌گرایی
۹۲	واقعیت‌های اجتماعی
۹۴	دلیل
۹۴	علت
۹۵	ماهیت علیت

۹۷	ماهیت عمل انسانی.....
۹۹	نهادها و عمل اقتصادی انسان.....
۱۰۱	اعمال پوزیتیویسم در واقعیت‌های اجتماعی.....
۱۰۲	ابطال‌گرایی و واقعیت‌های اجتماعی.....
۱۰۲	سودمندی علم.....
۱۰۴	پوزیتیویست، قدرت و خیر عمومی.....
۱۰۶	معرفت‌شناسی علوم اجتماعی.....
۱۰۶	ساختارگرایی.....
۱۰۷	جامعه و فرد از منظر رئالیسم انتقادی.....
۱۰۸	ساختارهای اجتماعی و طبیعی.....
۱۰۹	فردگرایی در جامعه‌شناسی.....
۱۱۰	کل‌گرایی روش شناختی.....
۱۱۰	اومانیزم، فردگرایی یا اراده‌گرایی.....
۱۱۲	دیالکتیک جامعه / فرد.....
۱۱۵	رئالیسم انتقادی.....
۱۱۶	تفاوت رئالیسم انتقادی با تجربه‌گرایی.....
۱۱۷	تفاوت رئالیسم انتقادی با نسبی‌گرایی و ایده‌آلیسم.....
۱۱۷	هستی‌شناسی و واقعیت اجتماعی از دید رئالیسم انتقادی.....
۱۲۰	دوم، بین رشته‌ای شدن تحقیقات علوم انسانی.....
۱۲۳	تعریف و مفهوم رویکرد میان رشته‌ای.....
۱۲۵	چارچوب نظری بین رشته‌ای.....
۱۲۸	فرآیند بین رشته‌ای شدن علوم انسانی.....
۱۳۰	فرآیند بین رشته‌ای شدن علم جغرافیا.....
۱۳۵	در هم تنیدگی علم جغرافیا با سایر علوم.....
۱۳۷	الف. موقعیت جغرافیا در بین علوم مرتبط.....
۱۴۰	ب. علمی که از یافته‌های دانش جغرافیا در تحقیقات خود استفاده می‌کنند.....
۱۴۱	ج. علمی که جغرافیا از نتایج تحقیقات آنها استفاده می‌کند.....
۱۴۳	د. تعیین شدت ارتباطات بین جغرافیا و سایر رشته‌های علمی.....

۱۴۵	سوم تأملات روش شناسی.....
۱۴۵	الف. از بین بردن شکاف کیفی - کمی تحقیق.....
۱۴۷	ب. انتخاب داده‌های مناسب.....
۱۴۷	ج. بهبود دقت.....
۱۴۹	د. شفاف سازی علیت.....
۱۵۰	ه. اطمینان از استانداردهای اخلاقی بالا.....
۱۵۰	و. تأملات روش شناختی در عمل.....
۱۵۱	ز. سیاسی شدن روش‌های تحقیق.....

فصل چهارم: اندیشه‌شناسی سیاسی نظریه‌های توسعه

۱۵۹	مقدمه.....
۱۵۹	اندیشه سیاسی و دلالت‌های آن.....
۱۶۲	بنیاد اندیشگانی سیاسی الگوی رشد روستو.....
۱۶۳	دلالت‌های اندیشه سیاسی الگوی رشد روستو.....
۱۶۳	۱- دلالت تاریخی تبیینی.....
۱۶۳	۲- دلالت بنیادین (چیستی).....
۱۶۳	الف. فرد، جمع و اجتماع.....
۱۶۴	ب. سعادت و رفاه.....
۱۶۴	۳- دلالت هنجاری (وضع مطلوب) خیر و حق.....
۱۶۴	۴- دلالت راهبردی (دولت و بازار).....
۱۶۵	بنیاد اندیشگانی سیاسی الگوی نیازهای اساسی.....
۱۶۶	دلالت‌های اندیشه سیاسی الگوی نیازهای اساسی.....
۱۶۷	۱- دلالت تاریخی - وضعیتی.....
۱۶۷	۲- دلالت بنیادین.....
۱۶۷	الف. فرد و جامعه.....
۱۶۸	ب. سعادت و رفاه.....
۱۶۸	۳- دلالت هنجاری، (وضع مطلوب) خیر و حق.....
۱۶۸	۴- دلالت راهبردی، (ارائه تجویزها) دولت و بازار.....
۱۶۹	بنیاد اندیشگانی سیاسی الگوی تعدیل ساختاری.....

دلالات‌های اندیشه سیاسی الگوی تعدیل ساختاری.....	۱۶۹
۱- دلالت تاریخی - وضعیتی (جستی).....	۱۶۹
۲- دلالت بنیادین (وضع موجود).....	۱۷۰
الف. فرد و جمع.....	۱۷۰
ب. سعادت و رفاه.....	۱۷۰
۳- دلالت هنجاری (وضع مطلوب).....	۱۷۱
الف. خیر و حق.....	۱۷۱
ب. عدالت و آزادی.....	۱۷۱
۴- دلالت راهبردی، دولت و بازار.....	۱۷۱
بنیاد اندیشگانی سیاسی الگوی توانمند سازی.....	۱۷۶
دلالات‌های اندیشه سیاسی الگوی توانمند سازی.....	۱۷۶
۱- دلالت تاریخی - وضعیتی.....	۱۷۶
۲- دلالت بنیادین.....	۱۷۷
الف. فرد و جامعه.....	۱۷۷
ب. سعادت و رفاه.....	۱۷۷
۳- دلالت هنجاری، (وضع مطلوب) خیر و حق.....	۱۷۷
۴- دلالت راهبردی، (ارائه تجویزها).....	۱۷۷
بنیاد اندیشگانی سیاسی الگوی کریستالر.....	۱۷۸
دلالات‌های اندیشه سیاسی الگوی کریستالر.....	۱۷۸
۱- دلالت تاریخی - وضعیتی.....	۱۷۸
۲- دلالت بنیادین.....	۱۷۹
الف. فرد و جامعه.....	۱۷۹
۳- دلالت هنجاری، (وضع مطلوب) خیر و حق.....	۱۸۰
۴- دلالت راهبردی، (ارائه تجویزها) دولت و بازار.....	۱۸۱
بنیاد اندیشگانی سیاسی نظریه قطب رشد.....	۱۸۱
دلالات‌های اندیشه سیاسی نظریه قطب رشد.....	۱۸۲
۱- دلالت تاریخی - وضعیتی.....	۱۸۲
۲- دلالت بنیادین.....	۱۸۲

الف. فرد و جامعه.....	۱۸۲
ب. سعادت و رفاه.....	۱۸۲
۳- دلالت هنجاری، (وضع مطلوب) خیر و حق.....	۱۸۲
۴- دلالت راهبردی، (ارائه تجویزها).....	۱۸۲
بنیاد اندیشگانی سیاسی نظریه راندینلی.....	۱۸۳
دلالت‌های اندیشه سیاسی نظریه راندینلی.....	۱۸۳
۱- دلالت تاریخی- وضعیتی.....	۱۸۳
۲- دلالت بنیادین.....	۱۸۳
الف. فرد و جامعه.....	۱۸۳
ب. سعادت و رفاه.....	۱۸۴
بنیاد اندیشگانی سیاسی رویکرد اگروپلین و شبکه منطقه‌ای.....	۱۸۵
دلالت‌های اندیشه سیاسی رویکرد اگروپلین و شبکه منطقه‌ای.....	۱۸۵
۱- دلالت‌های تاریخی- وضعیتی.....	۱۸۵
۲- دلالت‌های بنیادی.....	۱۸۵
۳- دلالت هنجاری (وضع مطلوب)، خیر و حق.....	۱۸۵
۴- دلالت راهبردی (ارائه تجویزها).....	۱۸۵

فصل پنجم: فضای اطمینان برای کارد اجرایی برنامه‌های توسعه

مقدمه.....	۱۸۷
عوامل مشوق انگیزه.....	۱۸۸
یکم، تأمین امنیت انسانی.....	۱۸۸
دوم، حقوق مالکیت کارا.....	۱۹۲
سوم، نظام پاداش متناسب.....	۱۹۵
چهارم، رعایت شایسته سالاری.....	۱۹۵
پنجم، تأمین مشارکت داوطلبانه مردمی.....	۱۹۸
فضای اطمینان در دوره قبل از انقلاب.....	۱۹۹
فضای اطمینان در دوره بعد از انقلاب.....	۲۰۱
منابع.....	۲۰۵
واژه نامه.....	۲۱۷

فهرست جداول

- جدول ۱-۲: تعداد چاه‌های عمیق و نیمه عمیق در ایران ۱۳۵۵-۱۳۹۵..... ۶۲
- جدول ۲-۲: نسبت بودجه عمومی دولت به تولید ناخالص داخلی در کشورهای مختلف در سال ۲۰۱۵..... ۶۳
- جدول ۱-۳: مثالی از لایه‌های مختلف واقعیت اجتماعی در قلمرو پدیده‌های طبیعی..... ۱۱۸
- جدول ۲-۳: مثالی از لایه‌های مختلف واقعیت اجتماعی در قلمرو پدیده‌های اجتماعی..... ۱۱۹
- جدول ۳-۳: موقعیت جغرافیا در بین علوم مرتبط با استفاده از محاسبه ضریب تأثیر..... ۱۳۸
- جدول ۴-۳: علمی که از نتایج تحقیقات علم جغرافیا استفاده کرده‌اند..... ۱۴۰
- جدول ۵-۳: علمی که علم جغرافیا از نتایج تحقیقات آن‌ها استفاده کرده است..... ۱۴۲
- جدول ۶-۳: متوسط شدت روابط جغرافیا با سایر علوم (میزان متوسط شاخص پودوکین)..... ۱۴۴
- جدول ۱-۴: دلالت‌های اندیشه سیاسی نظریه روستو (دهه ۱۹۶۰)..... ۱۶۵
- جدول ۲-۴: دلالت‌های اندیشه سیاسی نظریه تأمین نیازهای اساسی (دهه ۱۹۷۰)..... ۱۶۹
- جدول ۳-۴: دلالت‌های اندیشه سیاسی نظریه تعدیل ساختاری (دهه ۱۹۸۰)..... ۱۷۶
- جدول ۴-۴: دلالت‌های اندیشه سیاسی الگوی توانمندسازی..... ۱۷۷
- جدول ۵-۴: دلالت‌های اندیشه سیاسی نظریه کریستالر..... ۱۸۱
- جدول ۶-۴: دلالت‌های اندیشه سیاسی نظریه قطب رشد..... ۱۸۳
- جدول ۷-۴: دلالت‌های اندیشه سیاسی نظریه راندینلی..... ۱۸۴
- جدول ۸-۴: دلالت‌های اندیشه سیاسی نظریه آگرو پلین و شبکه منطقه‌ای (۱۹۷۲-۱۹۹۸)..... ۱۸۶

فهرست شکل‌ها

- شکل ۱-۱: مسیر و روند شکل‌گیری زندگی نیک..... ۳۸
- شکل ۱-۳: ماهیت واقعیت اجتماعی از منظر رئالیسم انتقادی..... ۱۲۰

مقدمه

با گسترش انقلاب کمی در دهه ۱۹۶۰، علوم طبیعی، تکنولوژی و صنعت، تحول بسیار عظیمی در زندگی بشر ایجاد کرد. علوم انسانی مقهور این دستاوردها شد و تلاش کرد با تشبه به علوم طبیعی و فیزیک، در قلمرو علوم مدرن قرار گیرد و همانند علوم طبیعی با پیش بینی و مدیریت کنش‌های بشری، امکان ایجاد و حفظ نظم اجتماعی را به صورت کنترل شده فراهم آورد. اما این رویکرد اگرچه در حوزه‌هایی توانست ثمراتی را به همراه داشته باشد، در نهایت نتوانست نقش مفیدی در حوزه حیات فکری و وجودی انسان ایفا کند زیرا تفکر مزبور، با غفلت از ویژگی‌های منحصر به فرد بشر، انسان را به مقوله‌ای قابل کمی سازی، همانند دیگر پدیده‌های طبیعی تقلیل داد.

توسعه علم به روش پوزیتیویستی در نهاد دانشگاه نیز برکنار از هر گونه مداخله عوامل بیرونی مانند شرایط خاص محیطی و حتی فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در نظر گرفته شد و در سنت نوین آکادمیک، علم به مثابه امری قابل انتقال از هر زمان و مکان به هر زمان و مکان دیگر اطلاق یافت. در ایران نیز به تبعیت از روند مزبور، روش تحقیق علوم انسانی و تا آنجا که صاحب این قلم مطلع است، به ویژه در قلمرو جغرافیا، از روش تحقیق پوزیتیویستی بهره برداری شده که غیر از معدودی از پژوهش‌ها، روش تحقیق غالب، روش کمی و پوزیتیویستی است. چون جغرافیای ایران، به ویژه بعد از انقلاب به دلایل متعددی در برنامه‌ریزی‌های مختلف سهمیم بوده و هست که از آن سخن گفته خواهد شد، طرح‌ها و برنامه‌های توسعه ایران نیز از این تفکر نه چندان مناسب متأثر شده است. به همین دلایل، مطالعات توسعه در ایران، اغلب تک بعدی و به صورت جزیره‌ای از توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، کالبدی و مدیریت انجام شد و نگاه بین رشته‌ای نداشته است؛ در ایران، اغلب بدون چون و چرا نظریه‌ای از نظریات توسعه که در کشورهای توسعه یافته جواب داده است، از جمله نظریه رشد (مدرنیزاسیون)، اجرا شده است در حالی که سرمایه‌داری غرب یک «بسته» است و اجرای بخشی از برنامه‌های آن بدون ارتباط با سایر اجزای بسته

تعریف شده، و بدون ارتباط با متن جامعه، به صورت انتزاعی و بی‌ارتباط با ویژگی‌های تاریخی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، به نتیجه مطلوب منجر نخواهد شد؛ نظریه‌های مزبور برای کشورهای توسعه یافته، پیامد پسین بوده است؛ و نمی‌تواند در جهان سوم و بدون توجه به تاریخ و فرهنگ کشور اجرا شود؛ در حالی که برنامه ریزان توسعه در ایران به نظریه‌های مزبور وفادار بوده و نسبت به واقعیت‌ها بی‌تفاوت بوده‌اند. به قول «آمارتیا سن»، در اندیشه‌های عدالت تنها فیزیک، کافی نیست بلکه باید از فلسفه سیاسی نیز استفاده کرد؛ و برنامه ریزان توسعه در ایران، به رغم تلاش صادقانه فراوان، با زمینه (سرزمین و کشور ایران و ظرفیت‌های توسعه در ایران) ارتباط مناسب برقرار نکرده‌اند؛ در نتیجه، ویژگی‌های محلی در برابر اعمال نظریه‌های جهانی نادیده گرفته شده است.

ایران در بین کشورهای توسعه نیافته طولانی‌ترین تاریخ برنامه ریزی توسعه را دارد. اصطلاح «دور باطل فقر» و «شکستن دور باطل فقر» به کمک برنامه ریزی را اولین بار ابوالحسن ابتهاج، یکی از مدافعان و معماران اصلی برنامه ریزی اقتصادی در ایران به کار برد. ابتهاج در سخنرانی خود در کنفرانس بین‌المللی صنعتی ۱۹۶۱ که در شهر «سان‌فرانسیسکو» تشکیل شده بود، در باره برنامه ریزی می‌گوید «اگر کشورهای عقب مانده بخواهند دور باطل فقر و رکود را در هم بشکنند، برای سرمایه‌گذاری در حدی که لازم است، ناگزیرند دست به برنامه ریزی ملی بزنند» (جنت ۱۳۸۵). از این رو، برنامه ریزی رسمی در ایران قدمتی بیش از ۷۰ سال دارد. آلمان در سال ۱۹۳۳، فرانسه و ژاپن در سال ۱۹۴۷ و چین و هند چند سال بعد از ایران برنامه ریزی را آغاز کردند (مؤمنی، ۱۳۷۴). همه کشورهای مزبور، اکنون در قلمرو کشورهای توسعه یافته هستند اما ایران همچنان در گروه کشورهای در حال توسعه قرار دارد.

قبل از انقلاب، پنج برنامه و بعد از انقلاب تا کنون، شش برنامه دوره‌ای (موسوم به برنامه‌های پنج ساله) به اجرا درآمده است و برنامه هفتم در آستانه تدوین است. به رغم اجرای برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی، نابرابری بین نواحی مختلف توسعه یافته و

عقب مانده، فقیر و غنی، از مشکلات عمده بوده و هست. تشدید شکاف‌های طبقاتی و منطقه‌ای، تبعیض گسترده از نظر دسترسی به حقوق مالکیت و تضمین آن برای گروه‌های مختلف، مشکلات اقتصادی، بحران‌های اقلیمی، آبی، محیط زیستی، فرصت سوزی‌ها، ضعف ظرفیت جذب افراد مستعد و بامهارت، ضعف دسترسی به آموزش باکیفیت، ضعف نوآوری و صدور کالاها با تکنولوژی پیشرفته (های تک)، محدودیت شدید دسترسی به فرصت‌ها و بازارهای بین‌المللی، از جمله مشکلات توسعه در کشور است.

گروهی بر این باور بوده و هستند که نابرابری‌های ناحیه‌ای را می‌توان با اجرای طرح‌های کالبدی مختلف و بدون توجه به نظام اجتماعی، اقتصادی حاکم، و تنها به تبعیت از مدل‌ها و تئوری‌های کلیدی متعدد^۱ معروف به مکان‌های مرکزی کاهش داد. در نتیجه برنامه‌های متعددی طرح و اجرا شده است. از جمله:

- طرح سطح بندی روستاهای کشور؛
- طرح استقرار بهینه روستاهای پراکنده؛
- طرح ساماندهی فضایی روستاهای پراکنده؛
- طرح مکان‌گزینی و مکان‌یابی سکونتگاه‌های روستایی؛
- طرح امکان‌سنجی استقرار روستاهای جدید؛
- طرح توسعه پایدار منظومه‌های روستایی؛
- طرح اشتغال‌زایی روستایی؛ و
- طرح‌های متعدد توانمندسازی نواحی روستایی.

اما برنامه‌های مزبور، دستاوردهای قابل انتظار در پی نداشته است؛ کشور جایگاه نسبی مناسبی از نظر سطح توسعه در جهان نداشته؛ و در موردی نیز شاهد سیر قهقرائی بوده است. برآوردهای مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی حاکی از آن است که از کل

۱. بین تئوری‌ها عبارتند از: تئوری میردال (۱۹۷۵)، هیرشمن (۱۹۸۵)، مدل‌های علیت انباشتی، مکتب وابستگی امریکای لاتین (دهه ۱۹۷۰)، تئوری‌های منطقه غالب و مکان مرکزی والتز کریستالر (۱۹۳۱) و تئوری‌های قطب یا مرکز رشد، لوش و پرو (۱۹۵۵) و بودویل (۱۹۶۶).

برنامه‌های توسعه تنها ۳۰ درصد محقق شده است.

طالب (۱۳۸۵: ۲۰۲-۱۸۱) بر این باور است که ایرانیان از نظر تمدن غربی تنها مظاهر و مصادیق عینی تمدن یا مدرنیزاسیون را گرفته‌اند ولی مبانی نظری خلق این تمدن را نشناخته و یا آن را نفی کرده‌اند. از این رو، اندیشه توسعه به شکل متزلزلی از نظام برنامه ریزی گرفتار شده است و به فکر نهاد سازی برای توانمند سازی افراد و افزایش قدرت انتخاب او نبوده است، به همین دلیل، نظام برنامه ریزی در ایران از نظر اندیشه‌ای، معطوف به خواست و امیال سیاستمداران و صاحبان قدرت بوده است. بهشتی دهکردی و محمد خانی طبسی (۱۳۹۸: ۵) باورهای مدیران ارشد و فرادستان کشور را از جمله اولین و مهمترین عامل عدم توفیق برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه بعد از انقلاب می‌دانند. به نظر غفاری (۱۳۹۵: ۱-۱۸)، نبود بحث‌های نظری و روشمند در باره درک درست شرایط اجتماعی- تاریخی، داشته‌ها و نداشته‌های جامعه ایران و قبیله‌ای اندیشیدن، در عدم تحقق برنامه‌های توسعه بسیار مؤثر بوده است. بنابراین، بهره‌مندی برنامه‌های توسعه از چارچوب نظری محکم و سازه‌های اندیشه‌ای و متناسب با شرایط محیط طبیعی و ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی کشور از الزامات توفیق این برنامه‌ها است.

در مجموعه پیش رو، در راستای درک چرایی عدم تحقق برنامه‌های توسعه کشور، این برنامه‌ها از ابعاد مختلفی مورد واکاوی قرار گرفته است. اگر چه تک سبب بینی در توجیهات علوم انسانی قابل پذیرش و حتی طرح نیست و در بروز و ظهور هر روند و پدیده‌ای عوامل مختلفی به طور مستقیم و غیرمستقیم اثر گذارند، در این مجموعه عدم تحقق برنامه‌های توسعه از سه منظر مورد واکاوی قرار گرفته است:

- تنگناهای روش شناختی؛

- اندیشه‌های سیاسی نهفته در برنامه‌های توسعه؛ و

- فقدان نظام انگیزه سالاری در کادر اجرایی برنامه‌ها.

از این رو، در فصل اول، مفروضات بنیادین توسعه از نظر می‌گذرد. در فصل دوم،

نظریه‌های تأثیرگذار بر برنامه‌های عمرانی و توسعه کشور مورد مطالعه قرار می‌گیرد. بنیان‌های فلسفی، روش‌شناسی و چالش‌های آن، موضوع فصل سوم مجموعه خواهد بود. اندیشه‌شناسی سیاسی نظریه‌های توسعه در فصل چهارم و اکاوی می‌شود و فصل پنجم به فضای اطمینان برای کادر اجرایی برنامه می‌پردازد.

مطالب کتاب با بینش بین رشته‌ای جغرافیا تألیف شده است؛ چنین نگرشی در ادبیات جغرافیایی فارسی زبان، اگر بی سابقه نباشد، بسیار کم سابقه است. از این رو، به هیچ وجه خالی از ضعف و اشکال نیست. پیشاپیش از همه علاقه‌مندان و اندیشمندانی که منت گذاشته و مؤلف را در اصلاح و بهبود مطالب یاری نمایند، صمیمانه تشکر و قدر دانی می‌نماید.

از معاونت محترم پژوهشی دانشگاه، ریاست دانشکده علوم جغرافیایی و معاونت محترم پژوهشی دانشکده، آقای دکتر افشین متقی، ریاست محترم انتشارات دانشگاه، استادی پر تلاش و خوش طینت، و همکاران محترم ایشان به ویژه سرکار خانم زهره اسدی، سرکار خانم صدیقه عرب و سرکار خانم فاطمه منظور که با مهر فراوان مراحل چاپ کتاب را پیگیری و به ثمر رساندند، صمیمانه تشکر و قدر دانی نموده، توفیق و سعادت یکایک آنان را از خداوند متان مسئلت می‌نمایم.

حسن افراخته

پاییز ۱۴۰۲